

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه "تیموری"

یادی از کابل

این ترجیع بند در سه قسمت تقدیم میگردد:

(قسمت سوم)

آمد بهار و موج گُل از هر طرف دمید
خوشنود مردمان ز خوشی نعره میزدند
اما به فـور یـأس بر امید چیره شد
دیو نفاق چـو ابر سیه سایه برفگند
مردان عالم متبحـر به روزگار
زین رو عـذاب دیده مسلمان داغدار
در هر کنار و کنج جهان تا که بنگری
افغان با کـرکتر و باعزت و وقار
تاراج گشت شهر و بسی خانه ها بسوخت
آن شهر باوقـار و نگین پرافتخار
مرکوب خسروانه ز مشرق سر رسید
که ایام درد و رنج و الم گشت ناپدید
یاران پر امید همه گشت ناامید
از هر طرف صدای من و تو بشد پدید
شمشیر برکشیده برادر کنند شهید
آواره هر طرف شد و هر سوی سرکشید
افغان بی پناه به هر کوی و در رسید
در ملک این و آن به روالی بیارمید
زین مردم بلاکشیده بدتر کسی ندید
مجروح و پرشکسته بخاک و بخون تپید

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خـدا میسپارم

کابل بگو برای چه بی پا و سر شدی؟
خاکم بسر ز بهر چه؟ خاکت بسر شدی
کنون علم بودی و عرفان نمود تو
اکنون چرا؟ بی معرفت و بی هنر شدی
چون گوهری بُدی تو در قلب آسیا
حالا دگر ز هر صدفی بدتر شدی
با عز و اعتبار بودی داشتی وقار
بی عز و اعتبار و بی شان و فر شدی
گویند کوکنار بکشتی ز حد فزون
در کشت کوکنار بسی نامور شدی
اولاد دوستدار و فسادار صادق
در شهر و هر دیار به عزم سفر شدی
موزیــــــــم تو بود یکی گنج بی بها
آثار باستان عرضه به بازار زر شدی
نی باغ و بوستان بدیــــــــار تو نی بهار
پژمرده و نحیف چو یک مشت پر شدی
الحاصل آنچه بودی تو امروز نیستی
در دست این و آن به زیر و زیر شدی

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خدا میسپارم

(المان - ۳۰ اگست ۲۰۱۱)